



عدم اقتدا به امام جماعت حقوق‌بگیر

آیت‌الله سید علی سیستانی در پاسخ به سئوالی با این مضمون که «در برخی کشورهای اسلامی، دولت برای امامان جماعت در مساجد حقوق ماهانه‌ای تعیین می‌کند و بخشی از آنان نیز از روحانیان شیعه هستند، نظر شریف شما در این‌باره چیست؟» گفت: «ما به مؤمنان - که خداوند متعال آنان را عزیز بدارد - توصیه می‌کنیم پشت سر کسی که حقوق دولتی دریافت می‌کند نماز نخوانند، و این توصیه نه برای طعن و خدشه در عدالت اوست، بلکه برای آن است که این جایگاه‌ها و مواضع صاحبانش کاملاً از هرگونه دخالت احتمالی حکومت حتی در آینده دور بماند.»



ماجرای یک دیدار

چندی پیش خبری منتشر شد مبنی بر اینکه مسعود پزشکیان در جریان سفر به نیویورک با محسن کدیور و عبدالکریم سروش دیدار داشته است. محسن کدیور در کانال تلگرامی‌اش درباره این دیدار نوشته است: «۲۳ سپتامبر به من خبر دادند که ریاست‌جمهوری مایل است با دو نفر از اساتید به‌طور خصوصی در نیویورک ملاقات کند. عصر ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۵ (۳ مهر ۱۴۰۴) به مدت بیش از یک ساعت، آنچه شرط بلاغ بود، با صراحت و شفافیت به اطلاع رئیس‌جمهور رساندم. دکتر پزشکیان با رویی گشاده سخنان مرا شنید و به برخی گفته‌هایم پاسخ داد. انتشار گزارش دیدار به عهده دفتر ریاست‌جمهوری است.» او در ادامه نوشت: «ساعتی قبل از بازگشت، یکی از مسئولان عالی‌رتبه دفتر ریاست‌جمهوری به دیدارم آمد و از جمله گفت «چرا به کشور بر نمی‌گردید؟! شرایط تغییر کرده است.» تشکر کردم و پاسخ دادم منتقدان ساکن کشور در حبس و حصر خانگی چه می‌کنند؟!»



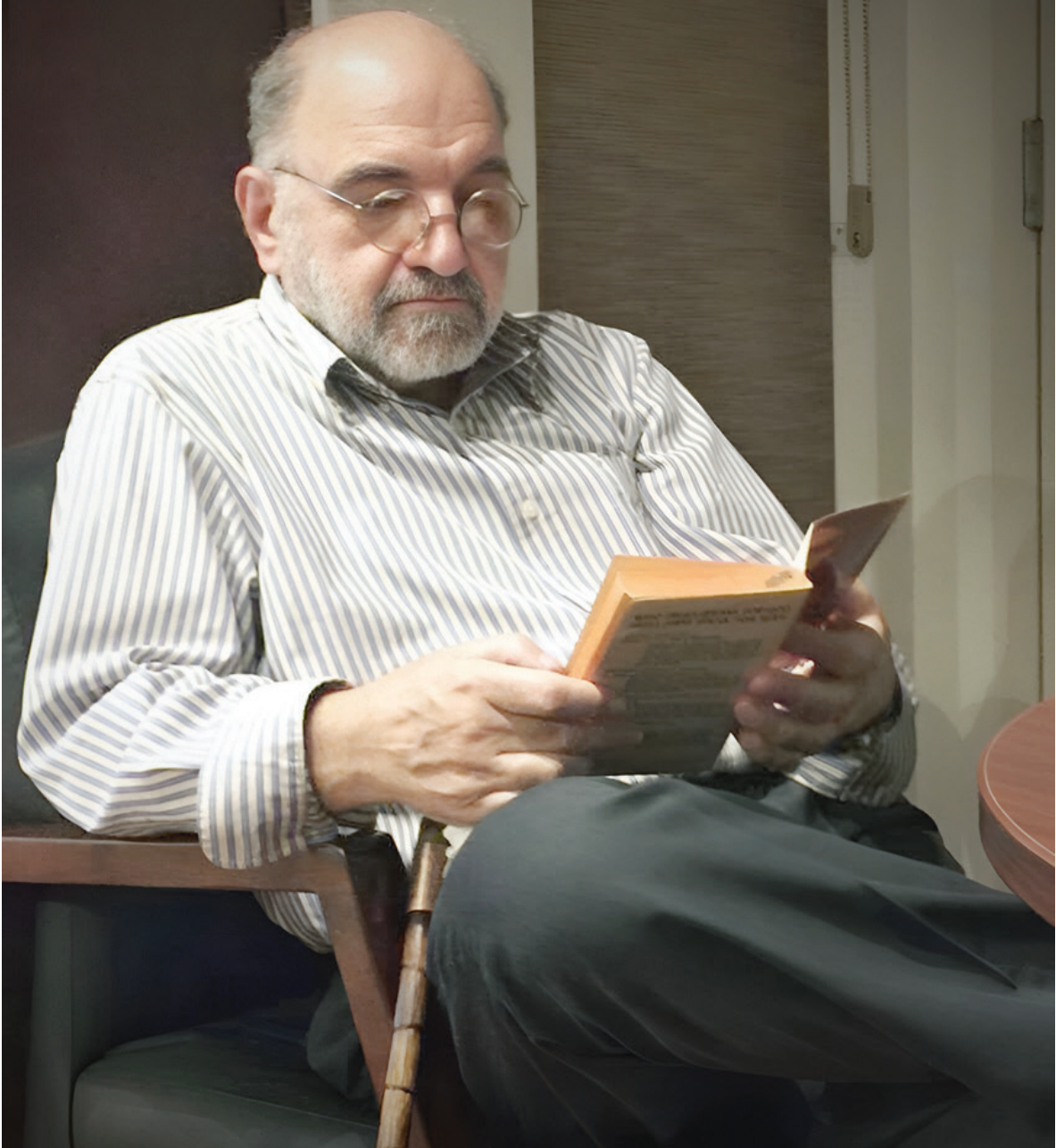
نامه به پزشک‌یان

جبهه اصلاحات ایران در نامه‌ای از رئیس‌جمهور خواست که لایحه «پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی و ارتقای امنیت زنان» را به علت تغییر ماهیت و جهت‌گیری اصلی آن از مجلس استرداد کند. در بخشی از این نامه آمده است: «از منظر سیاست‌گذاری اجتماعی، هر تصمیم در این حوزه مستقیماً بر امنیت روانی، معیشت و کیفیت زندگی بیش از چهل میلیون زن ایرانی اثر می‌گذارد. بنابراین، محرمانه‌ماندن فرآیند بررسی و تصویب چنین لوایح و طرح‌هایی - چه در دولت و چه در مجلس - فاقد وجهت و توجیه است.» در ادامه نامه آمده است: «تنظیم مقررات ملی در حوزه زنان و خانواده نمی‌تواند پشت درهای بسته و بدون تعامل مؤثر و سازنده با بدنه کارشناسی، گروه‌های مدنی فعال و کانون‌های تخصصی انجام گیرد؛ بلکه باید در معرض ارزیابی و نقد صاحب‌نظران قرار گیرد تا محصول نهایی، قانونی کارآمد، غیرمیسوب و برخوردار از پشتوانه و مقبولیت اجتماعی باشد.»

اندیشه سیاسی

عدالت، مدارا و روزگار ما

گفتاری از عبدالکریم سروش درباره سیاست و اخلاق جهانی و «مدارا با دشمنان»



درد مردم غزه را به تصویر می‌کشد: «از زخم‌های فلسطین خون می‌چکد.... از یک سو حریف کنعانی جنایتکار را می‌بینم که پای شادی بر زمین می‌کوبد و رقص ظفر می‌کند و دندان درندگی نشان می‌دهد و عربده قدرت می‌کشد و نیشخند تمسخر می‌زند و نان و آب را از قحطی‌زدگان فلسطین دریغ می‌دارد و بر مجاهدان بمب می‌بارد....»

سروش همچنین معمولاً در مواضع اخیرش به‌ویژه درباره سیاست خارجی ایران به عنوان چهره‌ای نگران ایران و مردم ایران شناخته می‌شود. در ماه‌های اخیر و آن زمان که موضوع حمله به ایران مطرح شد (پیش از وقوع حمله اسرائیل به ایران) او از جمله چهره‌های شناخته‌شده بود که در برابر سخنان سلطنت‌طلبان، تجزیه‌طلبان و حامیان جنگ واکنش نشان داد و در کنار بسیاری دیگر از ایرانیان وطن‌دوست خارج از ایران به انتقاد و اعتراض به این نظرات لب به سخن گشود. اردیبهشت‌ماه امسال بود که او در سخنانی با نام «عتابی با ایران‌فروشان» گفت: «برخی حتی در مقام استدلال برآمدند که تکیه بر بیگانه و دعوت او به خانه برای ویران کردن آشیانه کار نیکو و خردمندانه‌ای است و همین نشان می‌دهد پستی و پلشتی آنها را. آن‌ها نمی‌اندیشند که اگر نزاعی دارند دشمن را دعوت نمی‌کنند که خانه را بر سر پدر و مادر و خواهر و برادر من ویران کند. این نزاع‌های داخلی نباید به ایران‌ستیزی و ایران‌فروشی منتهی شود. البته پاره‌ای از آنها آنقدر متوهم هستند و آنقدر دور از واقعیت زندگی می‌کنند که گمان برده‌اند... پس از آزادی وطن مردم مشتاقانه و مختارانه زمام امور را به دست این بیگانه‌پرستان و اسلام‌ستیزان و ایران‌فروشان خواهند داد و ببینند و به خیال خودشان یک نظم سکولار را

برقرار کنند. زهی خیال باطل.»

بعد از شروع جنگ و حمله اسرائیل به ایران هم واکنش او در کنار چهره‌هایی مانند پرستو فروهر، علیرضا ربانی، محسن کدیور و... فضای قریب به یک‌دستی اپوزیسیون خارج‌نشین را که با سرمدداری رضا پهلوی با قدرت به دنبال همراهی با اسرائیل بودند؛ شکست و او فردای شروع جنگ در واکنش به حمله رژیم صهیونیستی به ایران اسلامی و اقدام جنایتکارانه این رژیم در تجاوز به تمامیت ارضی کشور در صفحه شخصی خود نوشت: «شرم بر کسانی باد که این روزها به عنوان ایرانی از تجاوز و تهاجم به وطن ابراز خوشحالی و شادمانی می‌کنند. اشراز جنایتکار امروز کمر به حذف ایران بسته‌اند اما می‌بینیم گروهی مزدورصفت که به ظاهر ایرانی‌اند اما در باطن اسرائیلی‌اند و بیگانه‌پرست شده‌اند! دشمن بزرگ مردم ایران را تشویق می‌کنند. تجاوز، جنایت و نسل‌کشی اسرائیل در ایران را محکوم می‌کنیم. رئیس‌جمهور آمریکا ریاکارانه تزویر می‌کند و از قصابان غزه حمایت می‌کند.»

همچنین او اگر چه به دلیل نگاه معترضانه و منتقدانه به حکومت مدت‌هاست امکان بازگشت به ایران را نداشت اما در جایگاه یک ایرانی وطن‌دوست در ۳۱ خردادماه در نامه‌ای خطاب به رضا پهلوی او را «پیر کودک بی‌فرهنگ» خواند و قدرت‌طلبی او را به قیمت بمباران ایران توسط اسرائیل مورد نکوهش قرار داد و نوشت: «فرومایه‌تر از این شخصیت نالایق و نادان و این مجسمه خیانت به وطن در عمرم ندیده‌ام. اگر کسی را بتوان «جاهل مرگب» خواند هم اوست که نمی‌فهمد و نمی‌فهمد که نمی‌فهمد. غرق منجلاب است و می‌پندارد گلاب است. مالیخولیای قدرت او را چنان مست کرده که از تهی مغزی و یاده‌گویی خود خبر ندارد و همین که مشتی مشتری‌ان مخبط برایش کف می‌زنند و دف می‌زنند، از فرط شوق گریبان چاک می‌کند و از خاک بر افلاک می‌پرد. پدر بزرگش را استعمارگران آوردند و بردند. پدرش هم که خادم همان مخدومان بود به خلق جفا کرد و از خلق قفا خورد و در غربت با خفت شرد و این یکی فقط خورده و خوابیده ولی هنوز نمرده! و اکنون زهی سفاکت و بلاهت که این پیرکودک بی‌فرهنگ می‌خواهد در رکاب سرخوخته‌های اسرائیلی آفاق را درنوردد و پا بر خاک ایران نهد و طاوس علیین و سلطان مشرق‌زمین شود. والله چنین اوهامی در خواب مستان خراب هم نمی‌گنجد و نمی‌داند با کدام افسون و اقیون وی را چنین مست و مجنون کرده‌اند که تب کرده و کف بر لب آورده و خواب پنبه دانه می‌بیند. مرا با وی سخنی نیست که سخن گفتن با ابلهان، عین ابله‌ی است. به فریفتگان و خریداران او می‌گویم که: لاقال رهبری را برگزینید که اهل کام و ناز نباشد و جوانی را در عشرت و بطالت سیری نکرده باشد و طوق بردگی بر گردن و جامه ذلت بر تن نداشته باشد و شرم و شرافتی و عقل و شجاعتی در او دیده شود.»

البته که لحن او نشان از خشم بسیار دارد و طبیعتاً برای انتقاد و اعتراض مورد پسند کمتر سیاستمدار به‌ویژه سیاستمداران اخلاق‌گرا خواهد بود اما شاید بتوان این زبان را در آن روزهای نگرانی‌ها برای آینده ایران توجیه کرد به هر حال او معتقد است: «مدارا با دشمنان مدارا نمی‌توان و نباید داشت.»

سروش در همه این سال‌ها اگر قرباتی با سیاسیون داخلی داشت. گاهی هم موضع و هم‌نظر با اصلاح‌طلبان بود و اگر از مواضع او درباره موقعیت ایران در این روزهای اخیر بگذریم او اخیراً در کنار انتقادات همیشگی‌اش از روند حکمرانی در ایران مطلبی در دهمین سال حضور در زندان مصطفی تاج‌زاده (مجموع سال‌های زندان به صورت پراکنده) و در انتقاد از ادامه زندان او نوشت و پیام تسلیت او در پی درگذشت برادر تاج‌زاده و حضور او در مراسم تشییع برادرش نیز از قربات او به این جریان سیاسی بیش از سایر جریان‌های داخل ایران خبر می‌دهد. این اندیشمند دینی مجموعه‌ای از درس‌گفتارها و سخنرانی‌ها در حوزه اخلاق و سیاست دارد که یکی از سخنان اخیر او در دانشگاه فنی دلفت هنر درباره عدالت، رواداری و مدارا با دشمنان (با دوستان مروت و با دشمنان مدارا) است که خلاصه‌ای از آن در ادامه می‌آید.



در دوران معاصر که ما زیست می‌کنیم نه با دوستان مروت می‌کنند و نه با دشمنان مدارا می‌کنند. همچنان نیکوست که از مروت و مدارا سخن بگوییم و ذهن خود را از این دو مقوله گران‌بها پر کنیم و آشنا کنیم و بتوانیم این مفاهیم را برای نسل‌های بعد بگذاریم و چنان کنیم که فرهنگ مروت و مدارا در میان ما رواج کافی پیدا کند. شعر حافظ را همه شنیدیم که «آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است/ با دوستان مروت با دشمنان مدارا» من یک قید برای این می‌خواهم بیاورم که با همه کس مدارا مگر با دشمنان مدارا. ما اینجا یک تبصره داریم و اگر آن خبیثتی که در ذات برخی افراد وجود دارد نبود، این قید را بر این اصل مهم عقلی و اخلاقی نمی‌افزودیم. اما درفا کسانی در کمین نشسته‌اند و از همه چیز استفاده می‌کنند علی‌الخصوص مفاهیم اصیل اخلاقی و می‌کوشند منافع خود را مقدم بر انسانیت، اخلاق، دیانت و آزادی و هر امر شریف دیگری قرار دهند. بر همین اساس است که قوانین تبصره پیدا می‌کنند و باید محدود و مقید به قیودی شوند وگرنه می‌توانستیم با چند اصل در جه اول کار بشریت را چه در سیاست و چه در خانواده سامان دهیم اما درفا که آن استثناها کار را بر تعمیم‌ها می‌بندد. با همه احوال دشمنان مدارا نباید موجب شوند که ما خودمان با مدارا دشمنی کنیم و این اصل فوق‌العاده مهم را زیر پا بگذاریم و از خبر و شر آن بگذریم و لقایش را بر عطایش ببخشیم و آن را فراموش کنیم. این اصل اصیل انسانی و اخلاقی است که مورد موافقت شارع‌ان و صاحبان ادیان هم هست و امروز هم به آن سخت محتاجیم. مغرب‌زمینی‌ها فخر



سمیه متقی

دبیر گروه سیاست

سفر همراه مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری به نیویورک در ابعاد مختلف مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت و تصور می‌شد دیگر ضرورتی به بازگشت به خاطرات آن سفر نباشد تا اینکه «آگاهی‌نو» خبر از آن داد که پزشکیان، با سه چهره ایرانی خارج از کشور دیدار و گفت‌وگو کرد. پزشکیان با عبدالکریم سروش، فیلسوف و اندیشمند دینی، محسن کدیور، اندیشمند دینی، دارا خسروشاهی، مدیرعامل شرکت اوبر گفت‌وگو داشت. در این بین سروش به عنوان شناخته‌شده‌ترین چهره این دیدار برای مردم داخل کشور به‌ویژه تا متولدین دهه شصت است و نگاهی گذرا به نظرات او در همین ماه‌های اخیر خارج از لطف نیست.

سروش و مواضع اخیر او

سروش چهره‌ای است که در دهه‌های اخیر در حوزه فلسفه دین به دلیل نظرات دگراندیشانه‌اش مورد توجه و نقد بسیار قرار گرفت و البته از این بستر در فضای علمی و مذهبی به شهرت رسید. در همه این سال‌ها در حوزه سیاسی نیز از جمله چهره شاخص و منتقدان حاکمیت شناخته‌شده.

او در همه روزهای پس از ۷ اکتبر و فاجعه‌ای که در غزه رقم خورد در حمایت از فلسطین بسیار بسیار به ایراد سخن و نوشتن مطلب پرداخت. مثلاً در آذرماه ۱۴۰۳ یادداشتش با عنوان «ز منجینق فلک سنگ فتنه می‌بارد» اینگونه شروع می‌کند و